

تازه‌ها و طرفه‌ها

● پرویز فارسیجانی



- جبران خلیل جبران
- ترجمه مسعود انصاری
- انتشارات جامی
- چاپ اول ۱۳۷۶

از تلاش‌های ستودنی سال‌های اخیر در عرصه فرهنگ، ترجمه آثار برجسته نویسندگان معاصر جهان عرب در کشورمان می‌باشد. گرچه این تلاش محدود به ترجمه برخی آثار ادبی است، ولی امید می‌رود ضمن شتاب روزافزون، دایره آن در دیگر موضوعات علمی و فرهنگی به سویی باشد که در اطلاع‌یابی از جریان‌های فکری، معرفتی و سیاسی و اجتماعی آنان به روز باشیم. کتاب «تازه‌ها و طرفه‌ها» که اخیراً توسط مسعود انصاری ترجمه شد، و از جمله آثار نویسنده و ادیب توانا و پرکار معاصر عرب، جبران خلیل جبران است. جبران خلیل جبران، شاعر، نویسنده و نقاش مشهور لبنانی است که در سال ۱۸۸۳ در شهر بشری لبنان به دنیا آمد و در سال ۱۹۳۱ در شهر نیویورک در سن ۴۸ سالگی با جا گذاشتن آثاری در زمینه شعر، داستان و مقاله‌های فلسفی، عرفانی به دو زبان عربی و انگلیسی که همه به زبان‌های مهم جهان ترجمه و منتشر شده است، درگذشت. برخی او را نویسنده و شاعری ژرف‌نگر که گاه در آراء و عقاید گوناگونش دارای تناقض است می‌دانند و برخی چون «غالی شگری» چنین تعبیر می‌کنند: «بزرگترین دستاورد خلاق او، زندگی‌اش بود که به رغم کوتاه بودن، ابعاد خصوصی و اجتماعی آن را نمی‌شد از هم تفکیک کرد، نظرات وی دربارهٔ مقام زن، ازدواج و روحانیت صرفاً دیدگاه‌های تئوریک نبود که در نوشته‌ها و نقاشی‌هایش بیان شده باشد، بلکه دیدگاه‌های عملی او دربارهٔ زندگی، عشق و مذهب را منعکس می‌کرد.»^۱ اما واقعیت این است که روح آثار وی با تمام ویژگی‌های رمانتیک روزگارش، روحی عارفانه و خداجو و کمال طلب است. او در پرتو نورانی این روح که گاه کم‌فروغ و گاه پرفروغ و زمانی در عالم خیال و خارج از هستی انسان امروزی و گاه سرکش و عصیانگر و بی‌تاب و یا خموش و آرام و خسته می‌نمود، در جستجوی حقیقت و جوهری است که لحظه‌ای او را آسوده نمی‌گذارد و در لابه‌لای نگاهش، کلامش، قلمش به جستجوی اوست و آن حقیقت هستی است. اما وصول به این حقیقت چندان آسان و سهل به نظرش نمی‌رسد، او در این مسیر، به بن‌بست‌های نامردمی و ضعف‌های انسانی برمی‌خورد و زشتی روح ظالمان و ریاکاران را مانعی می‌بیند که همچون اندوهی تلخ بر جان و روان وی می‌خراشد و به آثارش رنگ بدبینی و یاسی نه

چندان دیرپا می‌دهد. جبران، گاه به سراغ پیامبر می‌رود تا آرامش یابد و گاه به فرشته‌ای خیالی که سرشار و مشحون از جلوهٔ دیگر عالم هستی است، متوسل می‌شود، و به مدینه‌ای می‌اندیشد که باید با کشتی در هوایی مه‌آلود به آن برسد و به راستی مدینه فاضله او کجاست؟ و از چه راهی باید به آن رسید؟ و آیا جبران، عاقبت به آرزویش دست یافت؟...

به راستی اگر خوانندگان کنجکاو، مایل باشند به پاسخ این سئوالات دست یابند. می‌بایست تمامی آثار او را با دقت مطالعه نمایند. آثاری چون: پیامبر - که تا کنون به هفت قلم در ایران ترجمه شده است - باغ پیامبر، طوفانها، پیشتاز، سرگردان، ارواح سرکش، اشکی و لبخنی، بالهای شکسته، خدایان زمین، مجنون، عیسی پسر انسان، ماسه و کف، عربوسان مرغزار، تازه‌ها و طرفه‌ها و... که بیشتر آنها به زبان فارسی نیز ترجمه شده است. بی‌تردید، نسل جوان و علاقمند امروز و حتی اساتید و پژوهشگران ادبی و فلسفی، اگر با اندیشه‌های وی آشنا شوند، لحن و محتوای تراوشات جبران را تحسین خواهند نمود و ای بسا موجب نقد و تحلیل راه و روش ادبی و اندیشهٔ او شوند، چیزی که متأسفانه بسیار جای آن در محافل علمی و دانشگاهی ما، خالی به نظر می‌رسد. به راستی چرا نسل امروز ما، به میزانی که با آثار غربی آشنا هستند و به آن توصیه می‌شوند، از آثار شرقی و از جمله ادیبان معاصر عرب چون جبران خلیل جبران بیگانه و دورند؟

کتاب تازه‌ها و طرفه‌ها که ترجمهٔ کتاب‌های لطائف و طرائف و ارواح‌المتبرده است و به تازگی انتشار یافته است، گرچه برخی از بخش‌های کتاب ارواح سرکش قبلاً به همت مترجمی دیگر ترجمه و منتشر شده بود ولی این بار متن کامل آن به زبان فارسی ترجمه شده است. در بخش اول کتاب - تازه‌ها و طرفه‌ها که به عنوان اسم کتاب نیز انتخاب شده است - به مجموعه‌ای از نگاشته‌های متفرقه جبران خلیل جبران برمی‌خوریم که هر یک به بهانه و هدفی در کوتاه‌ترین شکل - که در قسمتی از این مجموعه به جملات قصار او منتهی می‌شود - و متنوع نگاشته شده است. «کشتی‌ای در مه» از جمله زیباترین بیان عشق راستین و معنوی در آثار اوست. قطعهٔ «پوستها و مغرها» به تقابل ظاهر و باطن آدم‌های روزگار به شیواترین شکل می‌پردازد و از اتفاق

* به راستی چرا نسل امروز ما به میزانی که
با آثار غربی آشنا هستند و به آن توصیه می‌شوند، از آثار شرقی و از جمله ادیبان
معاصر عرب چون خلیل جبران بیگانه و دورند؟

آن، به نتیجه‌ای می‌رسد که آدمی را از نکته سنجی جبران متحیر می‌سازد، نگاه به دین و هنر و اخلاق و تعاریف و تعبیر وی از آن بسیار زیباست. «مراحل هفتگانه» بیانگر مراحل فراق و اندوه درون متلاطم اوست.

«لبناتان شما را و لبنانم مرا» از عمیق‌ترین قطعات نویسنده کتاب است که در آن تعلق وی به طبیعت بی‌ریای مردم لبنان و گریز او از انسان‌هایی که از «هویت خویشتن» فاصله گرفتند به زیبایی و صریح، پیداست. قطعه «کمال» پاسخ اوست به چگونگی وصول انسان به کمال واقعی و قلّه آن قطعات «ابن سینا و قصیده او» و «غزالی» و «جرجی زیدان» و «ابن فارض» بیان ارزش‌های علمی و شخصیتی عالمانی است که ذهن او را بیشتر مشغول کرده است و بیان گله‌مندی و شکوه وی از جهان شرق است که نسبت به انسان روا داشته و می‌دارند.

جبران، در «آینده زبان عربی» مصاحبه‌ای با خود نموده که انتظاراتش را از آن زبان و جهان معاصر به ویژه عرب صریح و روشن، به تفصیل و با قالبی زیبا، بیان می‌نماید که مطالعه آن را به ادیبان و علاقمندان و شرقی‌گرایان توصیه می‌کنم. در قطعه «روزگار نو» بحث از دو اندیشه در مشرق زمین است؛ اندیشه‌ای دیرین (سنّتی) و اندیشه‌ای نوین (تجدد) است که شرایط پیروزی اندیشه موفق را در روزگار امروز بیان می‌کند «ارم ستوندار» یا ارم ذات‌العماد از جمله نمایشواره یا داستان‌های کوتاه و جذابی است که برگرفته از قرآن و کلام پیامبر اکرم (ص) پیرامون قوم عاد و شداد حاکم آن دوران است، که با توجه به مسیحی بودن جبران، زیبا تر می‌نماید. کتاب «ارواح سرکش» - بخش دوم کتاب - همانطور که از عنوان آن هویداست، ماجرای جان‌هایی است که علیه هنجارها و قوانین ستمکارانه اجتماعی سر به شورش برداشته و با آن به مخالفت برخاسته‌اند، این کتاب بیانگر ستیز جدی اندیشه‌های جبران، با بحران‌های سیاسی از جمله سرمایه‌داری فئودالیسم سیاسی و سنت‌های محرف دینی است. داستان «ورده‌الهامی» درباره‌ی زندگی دختری جوان پاک و دوراندیشی است که با مردی ثروتمند که با او تفاوت سنی زیادی دارد بالاچار ازدواج می‌کند و پس از آن عاشق جوانی می‌شود که برای رسیدن به عشق خویش:

برخلاف سنت مرسوم، شوهر را ترک گفته و به محبوب خویش می‌پیوندد. قصه‌های دیگر چون «فریاد گورها»، «جمله گاه عروس» و «خلیل کافر» حکایت‌های هدفمند و زیبایی است که نقش دین مسیح پرداخته کشیشان، فئودالیسم و بدعت‌های آنان است که اوج سنت ستیزی نویسنده را به تصویر می‌کشد.

در خاتمه لازم است نکاتی را که توجه به آن ضروری به نظر می‌رسد به خوانندگان محترم یادآوری نمایم:

۱- توانمندی قلم مترجم که دارای سوابق ترجمه عربی به فارسی می‌باشد در ترجمه کتاب کاملاً مشهود است گرچه در برخی از موارد ذیل جای تأمل و تعجب دارد.

الف - گنگ بودن ترجمه برخی از اصطلاحات و جملات که بعضاً هنگام تطبیق با متن عربی آن مشهود می‌شود. مانند «...زمین و پیامدهای آن...» (ص ۶۴) که درباره آگوستین و کتاب مشهور وی «اعترافات» می‌باشد که تعبیر «پیامدهای آن» کاملاً با مفاهیم فلسفی و فکری بیگانه است و رسا نمی‌باشد.

جمله «ابنای کنیسه آنان را در میان مردمان قرون وسطی در معبد روح مطلق از استوانه‌ها می‌شمارند.» (ص ۶۵) گنگ بودن «معبد روح مطلق» کاملاً مشهود است. و یا جمله «افسار اسبش را به ریشه درختی می‌بندد» (مگر می‌شود به ریشه بست) (ص ۹۱)

ب - نداشتن دقت وافی و کافی در معادل یابی و واژه‌گزینی و در برخی موارد ارائه دقیق و روشن مفاهیم و اصطلاحات.

ج - ترجمه غلط و حتی در برخی موارد ترجمه نشدن اعلام و اماکن است، از جمله: ویلیام بلایک که ویلیام بلیک می‌باشد، آگوستینوس که آگوستین است، فلورنسی ایالتی که فلورانس ایالتی می‌باشد و یا کنیسه را به جای کلیسا ترجمه نموده که جای دقت و حوصله بیشتری داشت.

د - ترجمه نامناسب و غیردقیق برخی از ابیات قصیده نفسیه ابن سینا که با مقایسه آن با ترجمه مؤلف محترم کتاب «دانشوران» که قصیده را کامل و گویا ترجمه نموده است، به وضوح می‌توان دریافت.

ه - نبود پاورقی در تبیین و تشریح برخی از اسامی، اماکن و اشخاص مانند غزالی، آگوستین، جرجی زیدان،

* یکی از مواردی که

می‌بایست مترجم محترم دقت بیشتری

می‌کرد ترجمه غلط و حتی در

برخی موارد ترجمه

نشدن اعلام و اماکن است از جمله:

ویلیام بلایک که ویلیام بلیک صحیح است،

آگو سطینوس که آگوستین است،

فلورنسی ایالتی که

فلورانس ایالتی می‌باشد و...

براونن، گوته، تشرلی و اسپینوزا و کلیسای فلورانس ایالتی و...

و - عدم اشاره به ترجمه کتاب «ارواح سرکش» به گونه‌ای در عنوان یا روی جلد کتاب.

ز - عدم اشاره مترجم به ترجمه نشدن برخی از جملات و اشعار دوبیتی از متن اصلی کتاب در مقدمه کتاب.

در پایان توفیق بیش از پیش مترجم محترم را در تداوم این تلاش و همت خوب ناشر در ارائه آثار برجسته نویسندگان معاصر عرب را آرزومندم و مطالعه این اثر را به دوستداران ادبیات عرب توصیه می‌کنم. □

* پانویس:

• مجله پیام یونسکو، س ۱۵، ش ۳ (آبان ۱۳۶۲)، ص ۲۵

